

نگاه فرهنگی

حقوق حیوانات و جامعه ایران



این روزها شاهد هستیم کمک‌کنی بی‌رحمانه با تزیین در شیراز، کشتن جسد سگ روی آسفالت در مشهد، شکنجه‌های حیوانات در سیر کلاکت حیوانات در باغ‌چش‌ها و کشتار آنها در شهر و طبیعت با عکس‌های شدید حیوان دوست‌ها مواجه می‌شود. باید توجه کنیم که این جامعه همان جامعه‌ای است که برین دم گریه، آتش‌زدن موش و گریه و سنگ و چوب‌زدن به سگ گریه و تلخ و فر کردن پای گریه بر پوست گردو و شکنجه شیشه‌ها تا چندسال قبل در میان برخی از آدم‌ها قریح محسوب می‌شده است.

حقیقت این است که پس از سال‌ها تلاش و کوشش فعالان حقوق حیوانات امروز شاهد شکنجه شدن نایب‌ترین حقوق حیوانات و ورود مباحث مربوط به حقوق حیوانات به رسانه‌ها و سطح جامعه هستیم. نگرش نسبتاً آزاد دولت فعلی به فعالیت‌های مدنی و خواسته‌های مردمی، شاهدان از مباحثات مسائل مجاری افزایش اطلاعات و روند سریع گردش اخبار در شبکه‌های سنتی بر نفع‌همراه و همه‌گیر شدن جنبش‌های عدالت‌خواه اجتماعی از غرب تا شرق باعث شده است تا مخالفت با تبعیض‌های سه‌گانه بسیار بیشتر از دو دهه قبل در رفتار اجتماعی و خواسته‌های شهروندان ایرانی دیده شود. مخالفت با تبعیض نژادی (ژانوساری یا Racism) و مخالفت با تبعیض جنسیتی (مردسالاری یا Sexism) مواردی هستند که تا چند دهه قبل سخن گفتن از آنها باعث خند و تمسخر هم‌راه بود، چرا که تلاش می‌کرد باورهای رسوب کرده در ذهن رزمی‌پرور مردمان سفید به سیاه‌فارس به غیر فارس - و تفهیم دیدن این روزها سخن گفتن از تری‌پارسل رنگ پوست، نژاد، ملیت و جنسیت برای قاطعه مردم ایران - همانند مردم سایر کشورها - آنها را خوارتر محسوب می‌شود که با عکس‌های حاکی از ارتقای سطح دانش مردم نیز مواجه می‌شود. در دهه اخیر مخالفت با سویم نمونه تبعیض یعنی تبعیض گونه‌ای آگونی‌سالاری یا Speciesism (نیز به جامعه ایرانی وارد شده و با مثال‌های آغاز بحث در برخورد مردم با نقش حقوق حیوانات می‌توان امیدوار بود که این در حال گذار از یک جامعه حیوان‌ستیز به یک جامعه حیوان‌دوست است نمونه این جوامع را در غرب شاهدیم و جالب اینجاست که ایران و ایرانی از این باستان تا ایران اسلامی شده، شهروند حیوان‌دوستی و برخورد اخلاقی با حیوانات بوده است.

سابقه حقوق حیوانات در ایران شاید امروز که کشتار جان‌وحش و بی‌ملاحظه‌کاران سگ‌کش، از برخورد مردمی احساسی ترس و تلاش می‌کنند تخلفات و راکت‌هایشان را برای سوزنی اندک (چند کیلو گوشت سنگار یا چند هزار تومان پول سنگ کش) مخفیانه تر انجام دهند، شنیدن این که حقوق حیوانات تا همین ۱۰ سال قبل در ایران نابوی سخت بود، باور پذیر نیست. خاطرم هست در سال ۱۳۷۴ که در یکی از آژنگ‌های دولتی از واژه «حقوق حیوانات» استفاده کردیم، کارمند پشت میز تمام قد ایستاد و قلندمانه انعام «جاسوسی آمریکا با سر ایران» را بر زبان جاری کرد. ۱۰ سال بعد در ویران ۱۳۸۲، شرایط تفاوت‌آمیزی که بود اما هر مطلبی که شامل واژه «حقوق حیوانات» بود برای انتشار به رسانه‌های سراسری می‌شد، به محبت سپردن دیدن و دیدن مسئول رسانه‌ها، به تری ادب و پیرایش (بخوابید سانسو) نوازش می‌شد امروز در سال ۱۳۹۴ دیگر چند سالی است که این نابوی پرچیده شده و مردم مسئولان در سخن گفتن از «حقوق حیوانات» از هم پشیمی می‌گیرند تابه روز، ترس، خند، تعجب و ترس و اخلاق مداری باشند. اگر قبل از انقلاب یک اجمن خوش‌نام برای دفاع از حیوانات بود و راه‌حیوانات تنها حیطه فعالیتش بود که آن هم با انقلاب تعطیل شد و دیگران نشان از ایرانی خود ثبت کردند، امروز گروه‌های آگاه و مطلق مسئول فعالیت در حیطه دفاع از حیوانات هستند که تنها راه بحث و فعالیت در حیطه حقوق حیوانات و فعالیت‌های روز و حرفی و اخلاقی گرفته تا آموزش عمومی و ارتقای سطح دانش و فرهنگ جامعه و اقدامات عملیاتی چون امداد و نجات اصولی، بازپرسی و ره‌سازی حیوانات وحش و حیوانات را شامل می‌شود. در یک کلام امروز «حقوق حیوانات» در ایران نابویست و یکی از خواسته‌های جدید اجتماعی به حساب می‌آید.

ممل خود نخستین سازمانی بود که در صدد رفع تبعیض‌ها برآمد و از بدو تأسیس خود در سال ۱۹۲۵ میلادی تلاش‌های گسترده‌ای را در این خصوص انجام داد. با تشکیل این سازمان و حقوقی زنان بهبود یافت و مسئله تبعیض‌ها هم‌زمان با دیگر موضوعات مطرح شده در سازمان ممل، مورد توجه همه دولت‌ها قرار گرفت و موجب پدید آمدن آستان بین‌المللی در تضمین حقوق زنان شد. منشور ممل متحد نیز، اولین سند بین‌المللی الزام‌دار است که نسوی زن و مرد را برابری دولت‌های عضو سازمان ممل متحد، به صورت واضح و آشکار ذکر کرده است و از ۱۶۰ ملت‌نیز در آستان ممل متحد، ۴ نفر زن بوده‌اند. اما پس از آن، سازمان ممل متحد توسعه‌دهنده‌ای در تأسیس «کمیسونیون مقام زن ممل متحد» که نهادی وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی ممل متحد است در سال ۱۹۴۶ مبادرت ورزید.



ادامه در صفحه ۱۱

طرح نو
شهرود
بازخوانی
وانهاند
جبهه زندگی مشترک
ترک‌ها هم فرد گرانتر شدند



ممل خود نخستین سازمانی بود که در صدد رفع تبعیض‌ها برآمد و از بدو تأسیس خود در سال ۱۹۲۵ میلادی تلاش‌های گسترده‌ای را در این خصوص انجام داد. با تشکیل این سازمان و حقوقی زنان بهبود یافت و مسئله تبعیض‌ها هم‌زمان با دیگر موضوعات مطرح شده در سازمان ممل، مورد توجه همه دولت‌ها قرار گرفت و موجب پدید آمدن آستان بین‌المللی در تضمین حقوق زنان شد. منشور ممل متحد نیز، اولین سند بین‌المللی الزام‌دار است که نسوی زن و مرد را برابری دولت‌های عضو سازمان ممل متحد، به صورت واضح و آشکار ذکر کرده است و از ۱۶۰ ملت‌نیز در آستان ممل متحد، ۴ نفر زن بوده‌اند. اما پس از آن، سازمان ممل متحد توسعه‌دهنده‌ای در تأسیس «کمیسونیون مقام زن ممل متحد» که نهادی وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی ممل متحد است در سال ۱۹۴۶ مبادرت ورزید.

زن و مرد به‌عنوان همکارانی برای توسعه جامعه، حقوق بشر، فعالیت‌های انسانی، صلح و امنیت است. در این میان اما آنچه جایز اهمیت است، تأثیر حضور و عضویت در چنین سازمان‌هایی در داخل کشور است و از این حیث برخی از فعالان صرف عضویت در چنین سازمان‌هایی را عامل بهبود وضع زنان در داخل نمی‌دانند. چنانچه «جوه» جوهری، فعال حقوق زنان، حضور ایران در هیأت‌رئیس این سازمان را همچنان که گامی به جلو می‌داند، دارای جنبه‌های تبلیغاتی گسترده دانسته و به «شهروند» می‌گوید: «در گام نخست باید آن را یک فرصت برای داخل دانست اما مشخصاً بر این امر معتمد که جنبه تبلیغاتی چنین کارهایی بسیار بیشتر از جنبه عملیاتی آن است. باید کارهای ساختاری انجام شود اما ما سال‌هاست که تنها به رونبا توجه کرده‌ایم و همین باعث شده تا شرایط در چندسال گذشته بدتر شود. در زمینه اشتغال، قوانین سخت‌تر شده. در زمینه آموزش هم وضع بر همین منوال

نگاه روز

نقد اجتماعی را از نقد شخصی جدا کنیم



شرایط خاص جامعه ایرانی باعث شده تا نقد اجتماعی همیشه جزو لاینفک پنهان جامعه باشد. شرایط ویژه فرهنگی و اجتماعی بر سبک زندگی مردم اثر گذاشته و همین باعث شده تا آنها چیزی که هستند را نشان ندهند. همین تقاضا، به زندگی‌ها حالت تنعمی می‌دهد، افراد را از دیدن دیگر مردم می‌کند و باعث می‌شود تا ندای همیشه‌نگران نقد شدن رفتارشان باشند. نگارگرانی از نقد کم‌کم بر بین مردم هراس ایجاد می‌کنند و به تبع نقد اجتماعی روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. این تقاضا و رفتار دوگانه ایرانی که این روزها به حالت عادت در آمده، ریشه‌های تاریخی زیادی دارد. رفتار حکومت‌ها باعث شده تا افراد چیزی غیر از خود واقعی خود باشند. از طرفی پنهان‌کاری همیشه با نقد پذیری در تعارض بوده است. به‌طور مثال اگر به کسی که رفتار اجتماعی نامرستی دارد انتقاد شود، آن فرد به جای اصلاح اصولی اخلاق خود، داد و قال راه می‌اندازد و در نهایت سعی می‌کند با یکسری ظاهر سازی‌ها نشان دهد که رفتار اجتماعی مناسبی دارد. اصولاً افراد در مقابل نقدهای اجتماعی و به شخصی، جبهه دارند و می‌خواهند نشان دهند که از هر خطایی میرا هستند. البته آداب نقد کردن و به‌خصوص نقد اجتماعی بسیار مهم است. نقد اجتماعی باید طوری باشد که هیچ‌کس را اصلاح‌کننده عموماً نداشته باشد. متأسفانه جامعه ما پیش از آن که رفتار اجتماعی افراد نگاه کند، به رفتار شخصی افراد می‌نگرد و همین باعث می‌شود تا به حریم خصوصی افراد وارد شویم. اگر ما تفاوت بین نقد اجتماعی و نقد شخصی را متوجه شویم و برای آن مرزی قابل شوم بسیار بنویسیم اوضاع کمی بهتر کنیم. ما باید بپذیریم که برخی افراد هم ندارد که کسی را توضیح دهند چرا اینگونه رفتار می‌کنند اما برخی رفتارهای اجتماعی نیاز به بازنگری دارد و تا زمانی که این بازنگری‌ها صورت نگیرد جامعه ایرانی یک جامعه با استانه نقد پذیری پایین است که افراد در آن به جای گفتگو از یکدیگر فرار می‌کنند. اما شاید بد نباشد در همین یادداشت کوتاه و حالا که فرصتی پیش آمده تا ما نقد اولین گام‌های اصلاح رفتار اجتماعی را برداریم. به انتقاد از همین هویتی چند لایه‌پندگی کردن ایرانی‌ها بپردازیم که روز به روز بیشتر می‌شود. مسأله‌ای که نیاز به یک به‌شخصی عمیق دارد و باید پیگیری شود این که هر آدمی ما تا این حد به صورت تعمدی تلاش می‌کند که چیزی خلاف خود واقعی‌اش نشان بدهد. آیا برای رسیدن به پاسخ این پرسش باید سراغ بی‌اعتمادی آنها بگردیم یا رفتارهای چندگانه‌شان را بررسی کنیم؟ ظاهر سازی مسأله مهمی است که اگر به‌محور ریشه‌ای به آن پرداخته نشود می‌تواند از کان یک جامعه‌ساز کشتن نقد تقاضا که متأسفانه این روزها اتفاقاً به طرز عجیبی با مسائل سنتی پیوند پیدا کرده، نمی‌گذارد. جامعه به پیشرفت درستی دست پیدا کند. اعتماد کردن قدرتمندی از مردم به ظاهر به‌باعث شده تا آسیب‌های اجتماعی بیشتری در جامعه داشته باشیم چرا که عده‌ای ظاهر سازی می‌کنند و عده دیگری گول همین ظاهر را می‌خورند. همین دوگانه عمل کردن، جامعه را دچار هرچیز می‌کند و نتایج آن بی‌پایان می‌گردد. اگر چه نقد اجتماعی این نکته توجه کنیم که اگر چه نقد اجتماعی به ضرر خیلی‌ها تمام خواهد شد اما باید فعالان اجتماعی به آن بپردازند و سعی نکنند خیلی ساده و سطحی از کنار آن عبور کنند.



ادامه در صفحه ۱۱